



یلدا؛ جشن تولد خورشید

کیانمهر احمدی

که شب اول زمستان و شب یلدا به تقریب با جشن تولد مسیح (کریمس) همزمان است.

در سنت های ایرانی شب یلدا، شب اول خلقت و آغاز آفرینش است. این احتمالاً از آنجا می آید که مردمان دوران های باستانی از ابتدای زمستان، تغییر طبیعت و طولانی شدن روز و غلبه نور بر تاریکی را به چشم خود مشاهده می کردند، و لابد پس از سالها ممارست یافتن آن شب و آن روز برای آنها میسر شده است.

اما گذشته از همه اینها شب یلدا از معدود جشن های شبانه ایرانیان است که هنوز زنده و پا برجاست مانده است. جشن های دیگری نیز چون سده و تیرگان از همین دست و از جشن های شبانه بوده اند اما از آن جشن ها جز در برخی نقاط ایران اثری بر جای نمانده است.

شب یلدا که در روزگار ما بیشتر به نام شب چله خوانده می شود، همزمان با شب اول زمستان است. ایرانیان در این شب آیین های خاصی را اجرا می کنند. تمام اعضای فامیل در خانه بزرگتر خانواده جمع می شوند و تا پاسی از شب به شادمانی و گپ و گفت و خوردن آجیل و میوه و شیرینی و گاه حافظ خوانی می پردازند.

پیشینه یلدا

در پارسی، شب یلدا به شبی می گویند که درازترین شب سال است. شب اول دیماه شب یلداست. شبی که زمین در مدار گردش به دور خورشید در موقعیت ۲۷۰ درجه قرار می گیرد و طول شب قریب ۱۴ ساعت می شود. پس از آن روزها درازتر می شود تا خرداد که درازترین روزها فرا می رسد. ایرانیان باستان به کمک

یلدا تنها شبی است که در آن خورشید متولد می شود. طولانی ترین شب سال سپری می شود و تاریکی که تا دیروز در روزهای سرد و تاریک، بر نور غلبه یافته بود، جای خود را به روشنی می دهد.

از این پس روز طولانی تر و شب کوتاه تر می شود و نور بر تاریکی غلبه می کند، دوره سیاهی، ظلمت و تباهی پایان می گیرد. همه چیز در کار منقلب شدن است و این آغاز "انقلاب زمستانی" است، در برابر "انقلاب تابستانی" که از اول تیر آغاز می شود. از این رو شب یلدا شب تولد روشنایی هاست که بنا بر آیین های ایرانی جشن گرفته می شود.

در گاه شماری ایرانیان، شب و روز و ماه و سال چنان به دقت اندازه گیری شده بود که امروز به رغم پیشرفت علوم، باز حیرت آدمی را بر می انگیزد. همان گونه که شب یلدا، طولانی ترین شب سال است، نوروز در "اعتدال بهاری"، - در برابر اعتدال پاییزی که از اول مهر آغاز می شود - جشن برابری شب و روز است. در آن روز که روز نو می خوانند، شب با روز برابر می شود.

از جشن های شبانه ایرانیان، تنها جشنی که به طور سراسری باقی مانده، جشن شب یلداست. دیگر جشن های شبانه همه از میان رفته اند.

می گویند که جشن شب یلدا از آیین مهرپرستی (میترایسم) ایرانیان باقی مانده است، آیین پرستش خورشید، پرستش نور. آیینی که پس از راهپایی به اروپا، در سنت مسیحی، شب تولد عیسی شد و مسیحیان شب تولد مسیح را در همان ایام قرار دادند. چنین است

ساخت چهارتاقی‌ها، زاویه قرارگرفتن زمین را نسبت به خورشید محاسبه می‌کردند. بقایایی از این چهارتاقی‌های قدیمی از زمانهای دور برجای مانده که دلیل مستندی است بر این ادعا که تقویم شمسی ایرانیان باستان طبیعی‌ترین و ثابت‌ترین گاه‌شمار جهان است.

یلدا کلمه‌ای است سریانی، به معنای زایش، وقت و ولادت. بر پایه اساطیر کهن، در شب یلدا "مهر" در کوه البرز در یک غار از فروغ زاییده می‌شود و بواسطه وجود او از روز بعد بر طول مدت روز و روشنایی افزوده می‌شود. پارسیان همواره میترا (مهر) و ناهید (آناهیتا) را به عنوان دو فرشته مقرب درگاه ایزد، مقدس دانسته و احترام می‌گذارند. در آیین ایرانیان باستان میترا فرشته‌ای است که سمبل پشتیبانی از راستگویان و درستکاران است همینطور ناظر بر عهدها و پیمانها، معاهدات و قراردادهای آنها بر این اعتقاد بودند که اگر کسی عهدی ببندد و بر آن وفادار نماند، میترا از او انتقام می‌گیرد. نباید تصور کرد که این دو فرشته، همچون الهه‌های یونانی هستند، چرا که اگر این چنین بود، ایرانیان که مهارت بسزایی در کار سنگ تراشی و مجسمه‌سازی داشتند چون یونانیان از آنها مجسمه می‌ساختند. میترا و آناهیتا تنها نمادی از راستی، درستی، نیکی و حقیقت بودند و ایرانیان آنها را در اندیشه خود می‌پروراندند. از کارهایی که به میترا منسوب می‌دارند، غلبه بر گاو خشکسالی (نماد اهریمن) است. گفته شده میترا گاو شرور را از آسمان به زمین کشانده، بر گرده‌اش سوار گشته و دشنه‌ای در کتفش فرو کرده است. از اصابت دشنه به کتف گاو "سه قطره خون" بر زمین چکیده که منشأ رویدن سه گیاه شده است. از اولین قطره گندم، دومین انگور و سومین، گیاه شفاف‌بخش "هوم" روئید. بدین ترتیب زمین بارور و حاصلخیز شد. یکی از مواردی که باعث جشن گرفتن در شب یلدا می‌شود، شکرگزاری بابت این پیروزی و برکت حاصل از آن است. هنگامی که میترا بر گاو خشکسالی (اهریمن) غلبه کرد از بارانش با نان و شراب (برکت و شادی) پذیرایی کرد و به آنها نوید داد که هرگاه اهریمن بر جهان مستولی شود، باز می‌گردد و با او به ستیز و مقابله می‌پردازد و حتماً بر او پیروز می‌شود. سپس به آسمان عروج کرد.

میوه‌هایی به رنگ خورشید

ایرانیان باستان خورشید را نمادی از نیروهای خداوندی می‌دانستند و محترم می‌شمردند و به رنگهایی که تداعی کننده خورشید به خصوص در طلوع و غروب است، دل‌بستگی داشتند. از این رو میوه‌هایی مثل هندوانه، انار، خرما و مرکبات (به صرف رنگشان) از میوه‌های اصلی بوده و در شب یلدا تناول می‌شده است.

همزمانی تولد مهر و مسیح

به نظر می‌رسد میترا اسطوره‌ای ایران زمین تأثیر بسزایی در فرهنگ اروپائیان داشته است. تولد میترا در روز ۲۰ یا ۲۱ دسامبر است. در برخی از منابع

آمده است که پس از مسیحی شدن رومیان، ۳۰۰ سال پس از تولد عیسی مسیح، کلیسا جشن تولد مهر را به عنوان زادروز عیسی پذیرفت، زیرا زمان دقیق تولد او معلوم نبود. وقتی میترا نیسم از تمدن ایران باستان به سایر جهان منتقل شد در بسیاری از کشورهای اروپایی، در پی اشتباه محاسباتی این روز به ۲۵ دسامبر انتقال یافت و از سوی مسیحیان به عنوان روز کریسمس جشن گرفته شد.

میترا، نشسته بر درخت کاج کریسمس

در تصاویر و کنده‌کاری‌های باقی مانده از گذشته‌های دور، میترا بر درخت کاج نشسته است. همان کاجی که مسیحیان در شب میلاد مسیح با چراغی نورانی (نماد میترا) آذین می‌بندند. پیش از این ماههای رومی در طول سال، موقعیت ثابتی نداشتند (همچون تقویم قمری) بنابراین هر سال زمان اعیاد، مراسم و آیین‌ها تغییر می‌کرد. گاه در زمستان بود و گاه تابستان. منجمان آنها پس از تقلید و کپی برداری از گاه‌شمار مهری (شمسی) ایرانیان، تقویم خود را اصلاح کردند. اما در این میان فراموش کردند که نام ماهها را - که براساس شمارش بود - عوض کنند!

یلدا و سیاهی گیسوی یار

سیداحمدوکیلیان، مردم شناس در باره واژه یلدا می‌گوید: یلدا واژه‌ای سریانی و به معنی میلاد و تولد است. چون شب یلدا را با میلاد مسیح منطبق کرده‌اند و شاید به همین خاطر این اسم را بر دخترها می‌گذارند که تولد و میلاد کنونی زنانه است و نه مردانه. از طرفی در ادبیات ما، سیاهی گیسوی یار را به شب یلدا تمثیل می‌کنند. گرچه در فرهنگ سریانی که به زبان انگلیسی و توسط «پاین اسمیت» تألیف شده است، یلدا را با نوئل تطبیق داده. «پاین اسمیت» و کیلیان ادامه می‌دهد: «در آیین مهر هم شب یلدا را زادشب مهر می‌دانستند. چون شب یلدا بلندترین شب سال است که پس از آن روزها بلند می‌شود و روشنی بر تاریکی چیره می‌شود. از این رو ایرانیان باستان این شب را جشن می‌گرفتند و هنوز هم جشن می‌گیرند و در این شب بیش از هر چیز انار و هندوانه می‌خورند. زیرا گل انار و دل هندوانه سرخ است و سرخ رنگ شفق و رنگ بامداد پیش از برآمدن خورشید است.»

افسانه یلدا

یلدا در افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی حدیث میلاد عشق است که هر سال در «خرم روز» تکرار می‌شود. در افسانه‌ها آمده است: «ماه دل‌داده مهر است و این هر دو سر بر کار خود دارند که زمان کار ماه، شب است و مهر روزها بر می‌آید. ماه بر آن است که سحرگاه، راه بر مهر ببندد و با او در آمیزد، اما همیشه در خواب می‌ماند و روز فرا می‌رسد که ماه را در آن راهی نیست. سرانجام ماه تدبیری می‌اندیشد و ستاره‌ای را اجیر می‌کند، ستاره‌ای که اگر به آسمان نگاه کنی همیشه کنار

او می‌افزاید که خوردن هندوانه در شب یلدا نیز مانند خوردن انار نوعی جادوی سرایتی است. هندوانه هم دانه‌های فراوانی دارد که مظهر باروری و زایش هستند. ضمناً مردم در شب یلدا علاوه بر انار و هندوانه، آجیل هم می‌خورند که مغز، تخم و دانه است و این نیز نوعی ستایش باروری است. خوردن آجیل در بسیاری جشن‌های دیگر ایرانیان از جمله نوروز به اعتقاد احمدی همین کارکرد جادویی را دارد.

مراسم شب یلدا در ایران

شب یلدا مثل همه آیین‌ها در شهرها و در بین اقوام مختلف با فرهنگ و سنن همان مناطق در هم آمیخته و ترکیب شده است. مثلاً در مناطق کردنشین مردم سنندج از سه ماه مانده به زمستان انگور بادامی را روی شاخه‌هایی از چوب یا طناب از سقف اتاقی خنک می‌آویزند، تا شب یلدا به همراه سیب و گلابی تناول کنند. بیشتر خانواده‌های سنندجی هم چند عدد خربزه برای استفاده در این شب در ترشی می‌اندازند و در شب یلدا به جای هندوانه استفاده می‌کنند و انجام این کار را بی حکمت نمی‌دانند. خانواده‌هایی هم که دختر تازه عروس دارند در شب یلدا خنچه‌ای پر از میوه، شیرینی و آجیل به همراه خربزه ترشی برای



دخترشان می‌فرستند. اگر دختری نامزد شده باشد نظیر این هدیه را از خانواده داماد دریافت می‌کند. در شهرهای نقره، پیرانشهر، اشنویه و مهاباد در شب یلدا بیت خوانا یا به خواندن بیت کردی می‌پردازند و جوانان هم به جوراب بازی و فنجان بازی سرگرم می‌شوند ضمن تناول میوه‌ها و آجیل‌های تهیه شده. هم میهنان کرد بر این باورند که شب یلدا بدون برف و باران رونقی ندارد و بارش برف و باران در این شب را نشانه پربركتی سال آینده می‌دانند.

«جمشید کیومرثی» مردم شناس زرتشتی درباره یلدا می‌گوید: «نزد ایرانیان، زمستان به دو چله کوچک و بزرگ تقسیم می‌شود. چله بزرگ از اول دیماه تا ۱۰ بهمن ماه را در بر می‌گیرد و پس از ۱۰ بهمن را چله کوچک می‌گویند. یلدا، شب نخست چله بزرگ است.»

بنا به روایت او زرتشتیان در این شب جشن می‌گیرند و فدیة می‌دهند: «فدیة، سفره‌ای است که در هر خانه گسترده می‌شود و در آن خوراکی‌های مرسوم شب یلدا چیده می‌شود. زرتشتیان در این شب دعایی به نام «نی‌ید» را می‌خوانند که دعای شکرانه نعمت است. خوراکی‌هایی که در این جشن مورد استفاده قرار می‌گیرند، گوشت و ۷ میوه خشک شده خام (لورک) را شامل می‌شود.»

ماه قرار دارد و عاقبت نیمه شبی ستاره، ماه را بیدار می‌کند و خبر نزدیک شدن خورشید را به او می‌دهد. ماه به استقبال مهر می‌رود و راز دل می‌گوید و دلبری می‌کند و مهر را از رفتن باز می‌دارد. در چنین زمانی است که خورشید و ماه کار خود را فراموش می‌کنند و عاشقی پیشه می‌کنند و مهر دیر بر می‌آید و این شب، «یلدا» نام می‌گیرد. از آن زمان هر سال مهر و ماه تنها یک شب به دیدار یکدیگر می‌رسند و هر سال را فقط یک شب بلند و سیاه و طولانی است که همانا شب یلداست. «

در زمان ابوریحان بیرونی به دی ماه، «خور ماه» (خورشید ماه) نیز می‌گفتند که نخستین روز آن خرم روز نام داشت و ماهی بود که آیین‌های بسیاری در آن برگزار می‌شد. از آن جا که خرم روز، نخستین روز دی ماه، بلندترین شب سال را پشت سر دارد پیوند آن با خورشید معنایی ژرف می‌یابد. از پس بلندترین شب سال که یلدا نامیده می‌شود خورشید از نو زاده شده و طبیعت دوباره آهنگ زندگی ساز می‌کند و خرمی جهان را فرا می‌گیرد.

سفره شب یلدا

سفره شب یلدا، به نام سفره میزد MYAZD هم معروف است. میزد عبارت است از میوه‌های تازه مانند هندوانه، انار، انگور،



سیب، گلابی، خربزه و به، میوه‌های خشک مانند برگه زردآلو، برگه هلو، انجیر خشک، سنجد، کشمش و آجیل شامل مغز گردو و بادام، پسته، فندق که در بین زرتشتیان به لورک LORK معروف است. به افتخار و ویژگی مهر یا خورشید همه حاضران از آن بهره‌مند شده و در خانه‌ای اگر فرد ناتوانی وجود داشته باشد که نتواند در آن جمع حاضر شود قسمتی از میوه‌ها و آجیل را به عنوان تبرک برایش هدیه می‌برند تا در این کار خیر، هم بهره شود. در این شب معمولاً رسم بر این بود که جهت حفظ کبان خانواده و اجتماع و بزرگداشت سالمندان این گونه مراسم در منزل یکی از بزرگان فامیل مثل پدربزرگ، مادر بزرگ برگزار می‌شد و به شادی و برای عبرت آموزی با نقل قصه و اسطوره‌های دل‌انگیز و شادی آور و امیدوار کننده و شاهنامه خوانی و گرفتن فال و صرف میوه‌ها و شیرینی و آجیل گرد آمده تا صبح به جشن و شادی می‌پرداختند.

دکتر عباس احمدی در نوشته‌ای درباره علت انار خوردن مردم در شب یلدا چنین می‌نویسد که برای تفسیر درست باید از عصر مذهب به عصر جادو برویم و ریشه‌های این آیین را در آن دوره جستجو کنیم. احمدی می‌نویسد انار بخاطر دانه‌های زیادی که دارد، مظهر باروری و زاینده‌گی است و خوردن آن نوعی جادوی سرایتی است تا این نیرو به انسان منتقل شود.

آشوریان ایران نیز در جشن یلدا با سایر اقوام ایرانی شریک هستند. «آلبرت کوچویی» رئیس سابق انجمن آشوریان تهران ضمن تأیید این نکته می گوید: «ما معتقدیم یلدا، سنت دیرینه آشوری است. یلدا یعنی تولد و آشوری ها معتقدند به دلیل نزدیکی عید میلاد مسیح و شب یلدا، آشوری ها بعد از مسیحیت، یلدا را به عنوان شب تولد مسیح جشن می گرفتند ولی بعدها به علت تغییراتی که در گاهشماری ها پیش آمد و سال های کبیسه را هم محسوب کردند، این تاریخ تغییر کرد و شب یلدا ۳ روز عقب تر آمد و ما این سال ها در ۴ دی ماه میلاد مسیح را جشن می گیریم.» وی در ادامه می افزاید: «آشوریان نیز در شب یلدا آجیل مشکل گشا می خورند و تا پاسی از شب را به شب نشینی و بگو بخند می گذرانند و در خانواده های تحصیل کرده آشوری تفال با دیوان حافظ نیز رواج دارد.»

یلدا در خارج از ایران

در دوران قدیم، مصری ها نیز به مانند ایرانیان در این روز جشن فصل بذر را برپا می کردند که با الهام از این جشن ایرانی مصری ها خانه هایشان را تزئین می کردند و جنگ و خشونت در این روز فراموش می شد، همه در کنار هم جمع می شدند، پولدار

گرامیداشت طولانی ترین شب سال افراد دورهم جمع می شوند. این سنت از زمان زرتشت پیامبر بر جای مانده است. هر چند که در طول قرن ها بسیاری از جشن های زرتشتیان تغییر کرده و در حال حاضر ۳۰۰ هزار زرتشتی که در هند و ایران زندگی می کنند برخی از جشن های زرتشتیان را برگزار می کنند. یلدا در پاکستان و هند و در واشنگتن و شمال آمریکا از طرف زرتشتیان جشن گرفته می شود. در جشن شب یلدا که سال گذشته در واشنگتن برگزار شد بسیاری از زرتشتیان پارسی، هندی و پاکستانی تا طلوع خورشید با گوش دادن به موزیک های ایرانی به پایکوبی پرداختند. سال گذشته یکی از محققان زرتشتی در شب یلدا خطاب به مدعوین گفت: «چقدر از مردم حاضر در اینجا درخت کریسمس را آماده کرده اند؟» تعدادی دست بالا رفت. سپس پرسید چند تن درخت یلدا را تزئین کرده اند، مدعوین متعجب شدند برخی خندیدند. این محقق با تندی گفت این چیزی است که شما باید داشته باشید: «درخت یلدا». زیرا درخت کریسمس از درخت یلدا گرفته شده است. او سپس ادامه داد که در دوران پارس باستان در شب یلدا درخت سبزی را تزئین می کردند که نشانه سبزی همیشگی باشد. یعنی روز تولد خورشید. دختران جوان آرزو می کردند و لباس های بافته شده از نقره را به دور درخت می بستند تا به خواسته خود



برسند اما این رسم آرام آرام تغییر کرد. زیرا مسیحیان و پاپ لئو در قرن چهارم برای از بین بردن این سنت تلاش کردند و سرانجام پیروز شدند. همزمانی تولد مسیح با شب یلدا سبب شد که این ۲ جشن با هم برگزار شود ولی به تدریج با تغییر مداوم تاریخ، زمان آن تغییر کرد. در قرن هجدهم «لوتران» آلمانی با اقتباس از درخت یلدای پارسیان درخت کریسمس را به جمع تزئینات شب تولد مسیح آورد. با رواج اسلام در ایران، زرتشتیان مدت ها در خفا مراسم خود را برگزار می کردند تا حدی که بسیاری از سنت ها به دلیل مخفی شدن این جشن منسوخ شد و در بسیاری از نقاط مانند پاکستان و هند این رسم بسیار کم رنگ شد، اما در ایران هنوز پا برجاست. به قولی شب یلدا زمان تولد مهر یا میترا است. طرفداران قوم آریا در ایران و هند و اروپا این شب را با کمی تغییرات در سنت ها جشن می گیرند.

در ابتدای شب اقوام و گروه های مختلف مردم گردهم جمع می شوند. با روشن کردن آتش میوه های فصل زمستان و میوه هایی را که در طول تابستان خشک کرده اند می خورند و دعا می کنند و شعر می خوانند.

در حال حاضر تمامی مسیحیان جهان که آماده برگزاری جشن کریسمس هستند شب یلدای ایرانی را نیز با جمع شدن در کنار هم و ایجاد فضای آرام جشن می گیرند و به صبح می رسانند.

و فقیر و برده ها، از نکات جالب این مراسم این است که فرزندان در این روز سرپرست خانه بودند و در همین حال تا صبح شمع روشن می کردند تا تاریکی و ظلمت فرار کند. با ظهور مسیحیت و اعلام روز تولد حضرت عیسی به عنوان مهمترین جشن مسیحیان این دو جشن یعنی یلدا و تولد مسیح در یک روز جشن گرفته می شد. این محقق زرتشتی می نویسد: «با پیروزی اسلام در سرزمین پارس و شرایط حاکم بر ایران در سال های نخست، بسیاری از جشن های پارسی به فراموشی سپرده شد. در حال حاضر شب چله به یک جشن اجتماعی بدل شده که اقوام و دوستان در کنار هم جمع می شوند و میوه های خشک و تازه زمستان در این مراسم خورده می شود. مردم دعا می کنند تا سرما محصولات آنها را از بین نبرد. کلیمی های ایران که دارای تمدن قدیمی هستند شب چله را با جشن درخت خود که همزمان با یلدا است جشن می گیرند و این جشن بسیار نزدیک به شب چله است. شمع ها روشن و میوه های مختلف در جشن چیده و گوشت خاصی طبخ می شود. در جنوب روسیه نیز جشن های بسیار نزدیک شب چله برگزار می شود. نان های شیرین به شکل حیوانات و انسان چیده می شود، آتش روشن می کنند و به دور آن می رقصند.» یکی از محققان دانشگاه بالتیمور در معرفی شب یلدا می نویسد: «یلدا یک جشن است. با اینکه سال نو پارسی در مارس آغاز می شود، اما در این روز برای